



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

The Jurisprudential and Legal Nature of Blood Money in Three Countries: Iran, Iraq and Turkey; Punishment or Compensation

Mohammad Bagher Narimani¹, Alireza Shekarbeigi*², Abbas Pahlavanzadeh³

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 483-492

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0001-8657-3149

TELL: +988338391251

Email: Alireza.Shekarbaigi@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 13 Oct 2023

Revised: 17 Dec 2023

Accepted: 18 Jan 2024

Published online: 20 Feb 2024

Keywords:

Dia, Punishment, Compensation.

ABSTRACT

One of the controversial issues in today's society, regarding criminal laws, is the issue of dowry. Diyeh is a financial ransom that is required according to the element of crimes against the self and others. The nature of diya is different among jurists and legal scholars. A group of scholars and jurists consider its nature to be a mere punishment and another group considers it to be a compensation for damages. In Turkish law, the law and penalty of dowry has been removed for many years, but in Iran and Iraq law, the nature of dowry is considered as punishment. The purpose of writing this research is to analyze the juridical and legal nature of dowry in the three countries of Iran, Iraq and Turkey, whether the nature of dowry is punishment or compensation. The research method is that the data used for this writing was collected through the library method and analyzed in a descriptive and analytical way. The current research is responsible for answering the question that the nature of money in the three mentioned countries is punishment or compensation? Also, considering the fact that dowry is punishable in the law, can this point of view be responsible for the damage caused by the excess of dowry, in line with the realization of justice? The result is that the mere punishment of paying the money is not the answer to the challenges and legal problems ahead. What if the legal gap leads to the increasing number of legal cases in the courts. Therefore, it is good for the Iranian legislator to predict the damages in the form of independent damages, taking into account the opinions of jurists and legal scholars, in order to increase the scope of justice in the society.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Narimani, MB; Shekarbeigi, A & Pahlavanzadeh, A (2024). "The Jurisprudential and Legal Nature of Blood Money in Three Countries: Iran, Iraq and Turkey; Punishment or Compensation". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(5): 483-492.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره سوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۲

ماهیت فقهی و حقوقی دیه در قلمرو حقوق کیفری ایران، عراق و ترکیه

محمدباقر نریمانی^۱، علیرضا شکرپیگی^{۲*}، عباس پهلوانزاده^۳

۱. دانشجوی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

یکی از مسائل بحث‌برانگیز در قانون در خصوص قوانین کیفری مبحث دیه می‌باشد. هدف این پژوهش واکاوی ماهیت فقهی و حقوقی دیه در سه کشور ایران، عراق و ترکیه است که آیا ماهیت دیه مجازات یا جبران خسارت می‌باشد. روش پژوهش به این صورت است که داده‌های مورد استفاده برای این نگارش از طریق روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و به روش توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته پژوهش این است که ماهیت دیه در بین فقها و علمای حقوق متفاوت است گروهی از علما و فقها ماهیت آن را مجازات صرف می‌دانند و گروه دیگر جبران خسارت تلقی می‌کنند، گروهی نیز ماهیت آن را تلفیقی از دیدگاه مجازات و جبران خسارت برمی‌شمرند. در قانون ترکیه، سال‌هاست که قانون و مجازات دیه حذف شده است، ولی در قانون ایران و عراق ماهیت دیه، مجازات قلمداد گشته است. از آنجایی که در تعاریف حقوق دانان و فقها در مورد معنای دیه، اتفاق نظر نیست، لذا نویسنده این مقاله درصدد تبیین ماهیت دقیق دیه می‌باشد. نتیجه این است که صرف مجازات قلمداد نمودن دیه، پاسخگوی چالش‌ها و معضلات حقوقی پیش رو نمی‌باشد. چه این که خلأ قانونی منجر به افزایش رو به رشد پرونده‌های قضایی در محاکم می‌گردد، لذا نیکوست قانون‌گذار ایران با در نظر گرفتن نظرات فقها و علمای حقوق خسارات زیان‌دیده را در قالب خسارات مستقلى پیش‌بینی نماید تا گستره عدالت در جامعه را افزایش دهد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۸۳-۴۹۲

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد اراکید: ۳۱۴۹-۸۶۵۷-۰۰۰۹-۰۰۰۹

تلفن: ۹۸۸۳۳۸۳۹۱۲۵۱+

ایمیل: Alireza.Shakarbaigi@pnu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

دیه، مجازات، جبران خسارت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

برحسب قانون و فقه اسلامی، دیه مالی است که به دلیل وارد آوردن جنایت بر نفس و یا عضو مجنی‌علیه به وی یا به اولیای دم وی، پرداخت آن بر جانی لازم می‌شود. درخصوص ماهیت دیه، اتفاق نظر در میان حقوق‌دانان یافت نمی‌شود، بلکه دیدگاه‌های مختلفی در این خصوص وارد شده است، به صورتی که عده‌ای آن را مجازات می‌دانند و گروهی دیگر آن را جبران خسارت وارده محسوب می‌نمایند و هرکدام برای مدعی خود دلیل کافی دارند، اما گاهاً دلایل آن‌ها با موارد و مصادیقی نقض می‌شود؛ دیدگاه سومی نیز درخصوص تبیین ماهیت دیه دیده می‌شود که معتقد است دیه دارای ماهیتی تلفیقی می‌باشد، طبق این نظر به صورت مطلق نمی‌توان ادعان داشت که دیه مجازات است و یا جبران خسارت در برخی موارد مجازات محسوب شده و در برخی موارد نیز جبران خسارت است. در جامعه حقوقی کنونی این مسأله بروز پیدا کرده است که اصولاً ماهیت دیه از چه قرار است؟ آیا دیه تشریح شده توسط شرع برای مجازات مجرم وضع شده است که وی با پرداخت آن تنبیه شود و یا برای جبران خسارت واردآمده به مجنی‌علیه؟

به صورت کلی می‌توان گفت در این زمینه چهار نظریه از سوی حقوق‌دانان ارائه شده است. گروهی از بزرگان علم حقوق، دیه را دارای ماهیتی صرفاً کیفری می‌دانند و گروهی دیگر آن را مطلقاً با ماهیتی مدنی می‌شناسند، برخی دیگر نسبت به این مورد تفصیل قائل شده و در مواردی دیه را دارای ماهیتی مدنی و در برخی مصادیق، نیز آن را دارای جنبه کیفری و مجازات می‌دانند. گروه دیگر نیز بر این امر استوارند که دیه دارای ماهیتی دوگانه است. مبرهن می‌نماید در صورتی که دیه را مجازات در نظر بگیریم، فعل انجام شده مستوجب دیه، جنبه کیفری و جزایی داشته و مرتکب چنین فعلی مجرم خواهد بود، اما اگر دیه برای جبران خسارت باشد، مانند سایر جبران خسارت‌های مالی، جنبه مدنی پیدا می‌نماید و مرتکب چنین فعلی دچار انجام عمل مجرمانه نگشته است، بنابراین نام مجرم بر وی صدق نخواهد نمود. با پذیرش هریک از موارد مذکور، نتایج و آثار متفاوتی مترتب خواهد شد. اگر درخصوص ماهیت دیه به این نتیجه برسیم که دیه

یک مجازات است که برای مجرم و مرتکب اعمال خواهد شد. در این صورت، برحسب قواعد باب ضمان و مسؤولیت مدنی، مجنی‌علیه خواهد توانست علاوه بر دیه، ضرر و زیان واردشده بر خویش را براساس عمل جانی، از وی مطالبه نماید و بالعکس، اگر دیه یک نهاد حقوق مدنی محسوب شود که شارع آن را برای جبران خسارت مضرور وضع نموده است، می‌توان ادعان داشت که از آنجا که میزان این خسارت توسط شرع معین گشته است، چیز دیگری به‌عنوان دیه را نمی‌توان از جانی دریافت نمود. این مقاله متکفل تبیین مفهوم دیه در هر سه کشور ایران، عراق و ترکیه می‌باشد و نهایتاً ماهیت دقیقی از دیه ارائه خواهد نمود.

۱- مفهوم‌شناسی دیه در هر سه کشور

برخی از نویسندگان معتقدند دیه از ریشه «ودی» آمده است و در معنای رد کردن و راندن به کار رفته است (رافعی اصفهانی، ۱۳۸۳: ۵۱۸).

از سوی دیگر بر این باورند که دیه بر معنای ای چون جاری شدن چیزی، نابودی و جریان یافتن مایعی به کار می‌رود که این معنا به معنای مد نظر علما بسیار نزدیک است، چراکه علت اصلی برای دیه و خون‌بها، ریختن خون مجنی‌علیه است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۳۸۳/۵) و گروهی دیگر معتقدند که دیه مالی است که بدل از جان و نفس مقتول به حساب آمده و به ولی او پرداخت می‌شود (ارجمند، ۱۳۴۹: ۱۱۸). در جایی دیگر، دیه با کسر دال به مفهوم حق قتل آمده است که جمع آن دیات بوده و در اصل و ریشه «ودی» مانند وعده است که «واو» آن حذف شده و «ها» در پایان کلمه به جای «واو» محذوف قرار گرفته است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲۶۷/۹). گروهی دیگر نیز بر این عقیده استوار هستند که کلمه دیه یک مصدر است که در معنای اسم مفعول به کار رفته است، بنابراین دیه در اصل به معنای ادا کردن است که در معنای اسم مفعولی به معنای آنچه که ادا می‌شود، به کار می‌رود (معین، ۱۳۷۱: ۶۷/۲). همچنین آمده است که دیه پول یا مالی است که قاتل یا اقوام او در راستای جبران قتلی که واقع شده است، پرداخت خواهند نمود و در واقع همان معنای خون‌بها را دارد (معین، ۱۳۷۱: ۱۶۰/۲).

نمی‌باشد (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۳/۳۴۳)؛ اعتقاد به این تفسیر از معنای دیه در نوشته سایر مفسرین نیز به چشم می‌خورد (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۵/۶۱).

باید توجه داشت به این دلیل که مقدار دیه در قرآن تعیین نشده، بلکه بر لفظ «دیه مسلمان» کفایت شده و لفظ دیه به صورت نکره به کار رفته است، می‌توان استنباط نمود که دیه پیش از اسلام، امری مورد پذیرش بوده است، ولیکن میزان آن مشخص نبوده است، بلکه براساس آن مقداری که صاحب خون طلب می‌نمود، پرداخت می‌شد و نیز به منزلت مجنون علیه بستگی داشت، به این معنا که هرچه شخصیت مجنی‌علیه بالاتر بود، بالطبع مقدار دیه وی نیز بالاتر می‌رفت، اما برحسب آیه مذکور، گذشت و بخشش دیه از سوی خانواده مقتول امری خدایپسندانه و ممدوح است، با این حال لزوم پرداخت دیه نیز نیاز به درخواست خانواده مقتول ندارد. نویسندگان اذعان دارند که در زبان عربی گاهی به جای لفظ دیه از لفظ عقل استفاده شده است و در معنای نهی و منع از کاری به کار می‌رود. وجه تسمیه عقل در این است که جعل دیه سبب ایجاد مانعی برای مردم در قتل یکدیگر محسوب می‌شود. همچنین معنای دیگر عقل، بستن زانوی شتر است و دلیل دیگری که دیه را عقل می‌نامند، این است که در عصر جاهلیت، تنها دیه درجهت پرداخت خون‌بها به کار برده می‌شد، بدین صورت که خانواده قاتل به هنگام شب چند شتر را به نزدیک محل سکونت خانواده مقتول برده و زانوی آن‌ها را می‌بستند (ادریس عوض احمد، ۱۳۷۲: ۱۲۸). زبان‌شناسان معانی متعددی برای دیه استفاده کرده‌اند، مانند حق‌القتیل و بدل‌النفس که همان معنای خون‌بها را در ضمن خود دارد (شفیعی سروستانی و همکاران، ۱۳۷۶: ۴۷). از نظر گروهی دیگر از لغت‌شناسان، عقل در اصل به معنای بازدارنده و مانع است، زیرا از ارتکاب به قتل توسط قاتل، ممانعت به عمل خواهد آورد. همچنین در معنای عقل، یعنی همان بستن شتر در مقابل خانه ولی دم به کار می‌رود، اما در مورد دیه معتقدند که آنچه در ازای خون پرداخت می‌شود، دیه نام دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۵۵۰-۴۱۸). از نظر گروهی از فقها، عقل معنای دیه را دارد به دلیل این که قاتل باید آن را پرداخت کند. دیه لفظ مفرد از جمع دیات است و از ریشه «ودی» است که

گروهی دیگر از لغت‌شناسان بر این باور هستند که دیه یا خون‌بها، همان مالی است که ضارب یا قاتل باید به شخصی که آسیب و لطمه بر وی وارد شده است و یا وارث این فرد پرداخت کنند و لفظ جمعی که برای دیه به کار رفته است، دیات می‌باشد (عمید، ۱۳۷۵: ۶۷۴). از سوی دیگر گروهی نیز معتقدند که دیه همان مالی است که بدل از جان مقتول محسوب می‌شود و به ولی او پرداخت می‌شود (صالحی، ۱۳۷۶: ۲۵). در آیات قرآنی هم لفظ دیه به کار رفته است، نمونه بارز آن آیه ۹۲ از سوره مبارکه نساء می‌باشد که در این آیه شریفه آمده است که «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةً وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنَّ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ هیچ مؤمنی را نرسد که مؤمن دیگری را به قتل رساند، مگر آنکه به اشتباه و خطا مرتکب آن شود و در صورتی که به خطا هم مؤمنی را مقتول ساخت باید (به کفاره آن) بنده مؤمنی را آزاد کند و خون‌بهای آن را به صاحبش تسلیم نماید، مگر آنکه دیه را ورثه (به قاتل) ببخشند و اگر مقتول مؤمن از قومی باشد که با شما دشمن و محاربنند، قاتل دیه ندهد، لیکن بر او است که بنده مؤمنی را آزاد کند و اگر مقتول از قومی است که بین شما با آن‌ها پیمان برقرار بوده، پس خون‌بها را به صاحب خون پرداخته و بنده مؤمنی (به کفاره آن) آزاد کند و اگر (بنده‌ای) نیابد بایستی دو ماه متوالی روزه دارد. این توبه‌ای است که از طرف خدا پذیرفته است و خدا دانا و حکیم است.»

نظر برخی از مفسرین بر این امر استوار است که دیه به معنای خون‌بها است، یعنی مالی که از طرف جانی به شخص مورد جنایت واقع شده، اگر عضوی را از دست داده باشد و یا به وارث او - اگر کشته شده باشد - پرداخت می‌شود. معنای آیه چنین است که هرکس مؤمنی را به صورت خطا به قتل برساند، آزاد کردن یک بنده مؤمن و پرداخت خون‌بهایی به خانواده مقتول بر او واجب می‌شود، مگر این که خانواده و قوم مقتول مقدار خون‌بها را به وی صدقه بدهند و او را از پرداخت خون‌بها عفو نمایند که در این صورت پرداخت دیه واجب

می‌شود و تفاوت نیست در این‌که مقدر باشد یا نباشد چه این‌که مقدار مشخص و مقدرشده دیه نام دارد و در صورتی‌که مقدر نباشد، ارش یا حکومت نامیده می‌شود (مرعشی نجفی، ۱۴۲۱: ۳۴/۲).

شهید ثانی می‌فرماید: «دیه مالی است که به ولی مقتول در ازای نفس مقتول پرداخت می‌شود» (عاملی، ۱۹۹۲: ۱۰۵/۱۰). این فقیه در منبع دیگری بیان نموده که دیه همان مالی است که برحسب جنایتی که بر انسانی که آزاد است، وارد می‌شود، واجب خواهد شد. حال این جنایت می‌تواند به جان شخص وارد شود و یا به حدی کمتر از این مقدار باشد و گاهی این لفظ بر میزان مشخص شده از سوی شارع دلالت دارد و در دیگر مواردی که میزان آن مشخص نشده است، لفظ ارش به کار می‌رود (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۳/۱۵). به نظر می‌رسد که منظور فقها از جنایت بر نفس، جنایت بر جان آدمی باشد و قتل شخص مد نظر باشد و مراد از «ما دونها» آنچه کمتر از نفس و همان جنایت بر اعضا است.

۳- سیاست تقنینی کشورها و اندیشه‌های حاکم بر آن

از آنجایی که این پژوهش درصدد بررسی ماهیت فقهی و حقوقی دیه در سه کشور ایران، عراق و ترکیه است، ناگزیر باید تعاریفی که حقوق‌دانان این سه کشور ارائه داده‌اند، بررسی می‌شود. ابتدا به تبیین مفهوم دیه از دیدگاه حقوق‌دانان ایرانی پرداخته می‌شود. چهار دیدگاه درخصوص ماهیت دیه وجود دارد، دیدگاه اول: جبران خسارت بودن دیه؛ دیدگاه دوم: دیدگاه مجازات بودن دیه؛ دیدگاه سوم: دیدگاه تفکیک در ماهیت دیه و دیدگاه چهارم: دیدگاه ماهیت دوگانه دیه.

۳-۱- نظام حقوقی ایران

از آنجایی که اساس و پایه قانون مجازات اسلامی ایران فقه امامیه است، پس از تصویب این قانون حقوق‌دانان به تبیین و ارائه تعریف دیه پرداخته‌اند تا بتوانند یک مفهوم حقوقی را برای جامعه، روشن نماید.

گروهی از حقوق‌دانان بر این باورند که دیه دارای ماهیتی صرفاً مدنی است، لذا برای جبران ضرر و زیان جسمی وضع شده است. از این‌روی از اصطلاح دیه به «برائت مالی» تعبیر

«واو» آن حذف کرد و «ها» به جای «واو» در آخر کلمه اضافه شده است و جمله «ودیت القتیل الدیه» به معنای «دیه مقتول را پرداخت کردم» است (فراهیدی، ۱۴۱۱: ۴۸۳/۴).

۲- رویکردها و نظریه‌های فقهی

در مبحث قبلی به تبیین معنای لغوی دیه پرداخته شد و در این بحث به معنای اصطلاحی دیه از منظر فقها و حقوق‌دانان خواهیم پرداخت. تبیین مفهوم دیه از منظر فقها در دو قسم یکی از منظر فقهای امامیه و شیعه و دیگری از نظر فقهای اهل سنت بررسی خواهد شد.

فقها نیز تعاریف مختلفی از دیه ارائه نموده‌اند، هرچند که فقهای متقدم از لفظ دیه تعریف خاصی نداشتند، اما با این حال گروهی از فقهای اعظم از دیه تعریفی را بیان داشته‌اند. به‌عنوان مثال از دیدگاه یکی از فقها دیه از ریشه «ودی» بوده و درمعنای رد کردن و راندن است و «ها» نیز به‌جای «واو» در پایان لفظ به‌کار رفته است که در معنای پرداخت خون‌بها استعمال می‌شود و منظور از دیه، مالی است که پرداخت آن برای یک انسان آزاد به‌دلیل ارتکاب جنایت بر نفس انسان دیگر و یا بر اعضای او واجب می‌شود، چه این‌که مبلغ دیه از سوی شارع مشخص شده باشد و چه این‌که میزان آن تعیین نشده باشد، اما اگر مقدار آن مشخص گردیده باشد، به آن «دیه مقدر» گفته می‌شود و اگر نامشخص باشد، نام آن «دیه نامعین» است که در قسمت اخیر اصطلاح ارش و حکومت به‌کار می‌رود (نجفی، ۱۳۶۲: ۲/۳).

گروه دیگری از فقها دیه را مالی می‌دانند که براساس ارتکاب جنایت بر نفس یا بر عضو لازم و واجب می‌گردد و تفاوتی نیست که مقدار آن را شارع مشخص کرده باشد یا نه، لیکن لفظ دیه بر مقداری که شارع مشخص کرده است، دلالت دارد و آنچه را که شارع وضع نموده است، تحت عنوان حکومت و ارش خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۵۵۳/۲). برخی دیگر از فقها بر این اعتقاد جازم هستند که دیه مالی است که در اثر ارتکاب جنایت بر نفس و عضو و یا حتی ایراد جرح و ... از سوی شارع مقرر گشته است (خویی، ۱۳۹۶: ۸۶/۲). در تعریف دیگری از دیه آمده است که دیه مالی است که بر نفس انسان یا کمتر از نفس (عضو) و یا ایراد جرح ثابت

بوده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۱۹۶۷). گروهی دیگر معتقدند که خسارات و غرامات مالی را که شخص در جنایات غیر عمد و خطا باید بپردازد، دیات نام دارد. در جنایات عمدی نیز در صورتی که اولیای دم به جای انجام قصاص، بخواهند نسبت به دریافت غرامت مالی صلح نمایند نیز دیه اطلاق می‌شود. میزان غرامت‌ها در دین اسلام عموماً تعیین شده است، ولی فرد مجنی‌علیه یا اولیای او می‌توانند با جانی و قاتل در زمینه مقدار و میزان غرامت تفاهم نموده و صلح نمایند (گرچی، ۱۳۷۸: ۲۸۶/۱).

گروهی دیگر از حقوق‌دانان در تعریف دیه آورده‌اند که دیه به مجازات‌های مالی یا نقدی‌ای اطلاق می‌شود که لازم است در چند مورد پرداخت شود: مورد اول در زمانی است که طرفین توافق کنند که جانی به‌جای تحمل کردن مجازات قصاص، دیه را به مجنی‌علیه بپردازد. مورد دیگر در جایی است که در اجرای حکم قصاص نمی‌توان مابین مجازات و جرم ارتكابی تناسب و تساوی برقرار نمود. به‌عنوان مثال جانی فوت کرده باشد و یا عضوی که در بدن مجنی‌علیه مورد لطمه و آسیب یا تلف قرار داده است را در بدن خود نداشته باشد. مورد آخر نیز زمانی است که قتل بدون عمد و یا از روی خطا واقع شده باشد، در این خصوص نیز به‌جای قصاص باید دیه پرداخت شود (صانعی، ۱۳۷۴: ۹۴). از لفظ دیه به واژگانی چون جبران تلافی و عوض، خون‌بها، خون تاوان و یا دیه تعبیر شده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۵: ۸۴). بنابراین همان‌گونه که مشاهده شد، حقوق‌دانان ایرانی نیز همچون فقهای امامیه بر این اعتقاد راسخ هستند که دیه وسیله‌ای برای جبران خسارت وارد شده بر مجنی‌علیه از سوی جانی می‌باشد. با این حال همیشه میزان و مقدار دیه معادل با جبران ضرری که بر فرد وارد شده است، نمی‌باشد و گاه حتی کمتر نیز هست، مانند قتل سرپرست خانوار که آسیب‌های روحی و مادی و معنوی و روانی آن بسیار بیشتر از مقدار پرداختی دیه است.

۳-۲- نظام حقوقی عراق

در تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۱۸ قانون مجازات عراق به دست فرمانده کل نیروهای انگلیسی در عراق صادر شد و از تاریخ

می‌شود (گرچی، ۱۳۷۲: ۲۸۶). طبق نظر این گروه، دیه «ضمان مدنی» است، چه در مقابل قتل و ضرب و جرح عمدی باشد که خانواده مقتول در ازای قصاص، دیه مطالبه نموده باشند و چه در برابر قتل و ضرب و جرح خطایی و شبه عمد باشد. استناد طرفداران این نظریه بر این امر است که گاهی عاقله، مسؤل پرداخت دیه است و اگر دیه مجازات باشد، افراد بی‌گناه قابل تعقیب کیفری هستند و این امر دقیقاً مخالف با عدالت اسلامی است (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ۱۸۹/۱). ایشان معتقدند که در بسیاری از روایات، ضمان دیه به‌کار رفته است و ضمان در خصوص مسؤلیت مالی به‌کار می‌رود، نه در مورد مجازات.

از سوی دیگر وضع و جعل دیه در موارد خطا و شبه‌عمد نمی‌تواند مجازات باشد، چراکه در جرم، شرط قصد وجود دارد و در خطا و شبه‌عمد، چنین شرطی رخ نمی‌دهد و نمی‌تواند چنین فعلی، جرم به‌معنای خاص باشد. علاوه بر موارد مذکور با فوت جانی، دیه حال می‌شود، در صورتی که اگر مجازات باشد، با فوت جانی، دیه باید ساقط شود. همچنین باید توجه داشت که مجازات‌های اسلامی در برابر معصیت و گناه قرار دارد و این در صورتی است که دیه در برابر خطا و شبه‌عمد قرار می‌گیرد. علاوه بر این، فقها برای برخی از اقسام دیه، اصطلاح ارش را به‌کار برده‌اند و این در حالی است که آن‌ها معتقدند ارش در معنای غرامت و جبران خسارت است. همچنین در برخی موارد، اولیای مقتول در قتل عمد، مجازات کیفری قصاص را عفو نموده و نسبت به دریافت غرامت با جانی تراضی می‌نمایند. باید در نظر داشت مجازات به‌خودی خود بر جرم مترتب می‌شود و نیازی به درخواست مجنی‌علیه ندارد، مگر در موارد خصوصی، اما دیه نیازمند درخواست مجنی‌علیه است و این امر از خصوصیات خسارت است.

بنابر مطلب فوق گروهی از حقوق‌دانان معتقدند که دیه همان جبران خسارت و یا غرامت مالی است که شخص جانی و مجرم به‌وسیله جنایت خود بر جان و یا اعضای یک شخص وارد آورده است که باید به وی و یا به اولیای او پرداخت نماید. قاتل باید دیه نفس را پرداخت کند که هزاردینار طلا یا ده‌هزاردرهم است، البته این امر در عصر جاهلیت نیز مرسوم

حالی است که اگر دیه را مجازات به حساب نیاوریم، بدون درخواست مجنی‌علیه، نمی‌توان حکم به تعزیر جانی نمود. از سوی دیگر، دیه خسارت مدنی نیز می‌باشد، زیرا به صورت کامل به مجنی‌علیه تعلق می‌گیرد و در صورت عفو مجنی‌علیه نمی‌توان آن را از جانی طلب نمود (عوده، ۱۴۱۹: ۶۶۹/۱). براساس ماده ۴۱۵ این قانون: «اگر کسی بر دیگری ضربه و جراحت وارد آورد و اثر آن فعل باقی نماند، بیش از سه‌ماه زندانی نمی‌شود و جریمه نقدی وی بیش از سی‌دینار نمی‌باشد.» در ماده ۴۱۶ نیز آمده است که: «اگر یک شخص از روی برنامه سبب رخ‌دادن اشتباه در سیستم کاری شود و منجر به محرومیت اشخاص شود، بیش از شش‌ماه حبس نمی‌شود و جریمه پرداختی نیز بیش از ۵۰ دینار نخواهد بود.» همان‌طور که بیان شد، در قانون جزای عراق از مواد ۴۱۰ تا ۴۱۷ اختصاص به قتل غیرعمد و ارتکاب به افعال مجرمانه‌ای دارد که منجر به قتل عامدانه نخواهد شد و برحسب این قانون، مجازات افرادی که به چنین افعالی دست می‌زنند، پرداخت جریمه نقدی، دیه و حبس می‌باشد که مقدار آن در قانون مشخص شده است. همچنین طبق ماده ۱۰۶ قانون مدنی عراق در مواردی که عمل مستوجب مجازات کیفری است. صدور حکم به جبران خسارت منافی اعمال مجازات نخواهد بود. بنابراین همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در قانون عراق در دیه دیدگاه ماهیت دوگانه دیه وسیله‌ای برای جبران خسارت وارد شده و مجازات فرد مجرم است بر مجنی‌علیه از سوی جانی می‌باشد.

۳-۳- نظام حقوقی ترکیه

در برابر دیدگاه جبران خسارت بودن دیه، گروهی بر این باورند که دیه کیفر نقدی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۳۲۲). بنابراین می‌توان گفت در جنایات خطایی و شبه‌عمدی، دیه همان کیفر اصلی است، ولی در جنایات عمدی در صورتی که اولیای دم یا خود مجنی‌علیه به جای اجرای قصاص با جانی نسبت به دریافت دیه توافق نمایند، گروهی در این خصوص دیه را «کیفر بدلی» می‌نامند (فیض، ۱۳۶۸: ۱۳۵/۱)، لذا در قانون مجازات کشور ترکیه این نظر ارجح است و مهم‌ترین دلیل مورد استناد طرفداران این نظریه مواد قانون مجازات ترکیه دانست. از سوی دیگر، می‌توان گفت باتوجه به سابقه و پیشینه دیه، وضع دیه برای دلجویی از مجنی‌علیه و به نوعی

اول ژانویه سال ۱۹۱۹ به اجرا درآمد. این قانون، قانون بغداد هم نام داشت، چراکه این قانون در حکومت بغداد قابلیت اجرا داشت. همچنین در صورت لزوم قابلیت تغییر، اصلاح و حذف قانون نیز در آن امکان‌پذیر بود. قانون مجازات بغداد ابتدا به زبان انگلیسی بود و حتی تا دو سال پس از تصویب آن نیز ترجمه عربی آن وجود نداشت. اولین ترجمه آن در سال ۱۹۲۱ به انتشار رسید. دادگاه‌ها در رأی خود باتوجه به این سه قانون (قانون انگلیسی، قانون ترجمه‌شده، قانون اصلاح‌شده) با مشکلاتی مواجه بودند، نهایتاً قانون انگلیسی مورد تأیید قرار گرفت، اما با بروز پیشرفت و نوآوری قانون قبلی کفایت نمی‌کرد و وزارت دادگستری باتوجه به مسائل جدید، هیأتی را تعیین نمود تا قوانین جدیدی را وضع نمایند و نهایتاً در سال ۱۹۵۷ نسخه کامل قانون مجازات عراق به تصویب رسید. بحث دیه در باب سوم از قانون مجازات عراق قرار می‌گیرد. مواد ۴۱۰ الی ۴۱۷ قانون جزایی عراق اختصاص به مبحث جرایم غیرعمد دارد، در ماده ۴۱۰ آمده است. مدت حبس کسی که باعث مرگ سه نفر یا بیشتر شود کمتر از سه سال نیست و اگر شروط ماده قبلی در آن باشد، زندان و حبس وی بیش از ۷ سال نمی‌تواند باشد، لذا اگر کسی عامدانه یا غیرعامدانه سبب مرگ یا کشتن کسی شود و یا منجر به مجروح شدن دائمی شخص گردد، مانند قطع عضو و زائل شدن عقل یا حواس پنج‌گانه به ۱ تا ۱۵ سال حبس محکوم می‌شود و اگر کسی بروز چنین حوادثی را سبب باشد، حتی اگر از روی عمد هم نباشد، نمی‌تواند بیش از هفت‌سال حبس شود. همچنین اگر کسی دیگری را مجروح نماید و یا به وی ضربه وارد کند، زندان و حبس وی بیش از یک‌سال نیست و دیه‌ای که باید پرداخت کند ۱۰۰ دینار است، چنین کسی بیش از سه‌سال نمی‌تواند زندانی و محبوس شود. برحسب این قانون اگر کسی باعث شکسته‌شدن عضوی از شخص دوم شود و یا سبب شود، دیگری بیمار شود و مدتی بیش از ۲۰ روز خانه‌نشین شود، دارای چنین حکمی است.

یکی از حقوق‌دانان در تفسیر این نظریه آورده است که دیه از یک جهت مجازات است، چراکه جزایی مقدر است که در برابر جرم قرار گرفته است و حتی اگر مجنی‌علیه نیز عفو نماید، باز هم می‌توان جانی را به مجازات تعزیری محکوم کرد. این در

تنبیه جانی بوده است، بنابراین تنبیه بودن دیه دلالت بر مجازات آن دارند.

قانون دیه در دولت عثمانی به اجرا درآمد و حتی پس از انتقال قانون جزای فرانسه^۱ به سیستم حقوق ملی در سال ۱۸۵۸ نیز ادامه داشت، اما پس از انقلاب ترکیه در سال ۱۹۲۳ مجازات دیه توسط مجلس ترکیه به شماره ۷۶۵ شد، البته قانون کیفری ترکیه از قانون ایتالیا^۲ نشأت گرفته است. امروزه شماره ۵۲۳۷ قانون کیفری ترکیه در حال اجرا است که طبق ماده ۴۵ آن مجازات‌ها از قرار ذیل است: «الف- حبس؛ ب- جریمه قضایی.» بنابراین بیش از صدسال است که در سیستم حقوقی ترکیه، دیه لازم‌الاجرا نیست. بر همین اساس است که در قتل‌های خطایی و شبه‌عمد، قانون مجازات ترکیه برخلاف قانون مجازات اسلامی ایران و عراق، دیه را اعمال نمی‌نماید، بلکه مجازات حبس را در نظر می‌گیرد.

از نظر گروهی دیگر، التزام به جبران خسارتی که بر اثر اتلاف مال یا تضييع منفعت و یا ضرر کلی و جزئی که به نفس انسان وارد شده است را تعویض می‌گویند (وهبه الزحیلی، ۱۹۹۸: ۱۵). بنابراین تعبیر تعویض اعم از دیات و ارش می‌باشند (رستمی، ۱۳۹۶: ۱۴۰).

در ماده ۸۵ قانون مجازات ترکیه آمده است که: «فردی که از روی سهل‌انگاری موجب مرگ فرد دیگری می‌شود، به حبس از سه تا شش سال مجازات خواهد شد. همچنین اگر این فعل منجر به مرگ یا جراحت بیش از یک نفر گردد، مجرم به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود.» همچنین در ماده ۸۶ همین قانون نیز: «فردی که از روی عمد و قصد به شخص دیگری آسیب برساند و موجب آلام وی شود یا این‌که به زوال سلامت و قدرت ذهنی فرد منتهی شود، به حبس از یک تا سه سال مجازات خواهد شد. همین‌طور است در خصوص ارتکاب جرم جراحت جنایی علیه فرزندان، همسر، برادر یا خواهر و کسی که مشکلات ذهنی و جسمی دارد و با استفاده از سلاح این فعل را انجام می‌دهد، مجرم به دو تا پنج سال حبس محکوم می‌شود.»

طبق ماده ۸۸ در مواردی که کاهش تأثیر جراحت تبهکارانه از طریق جراحی ساده پزشکی ممکن است، مجرم به حبس از چهارماه الی یک‌سال و یا جریمه کیفری بنابر درخواست مجازات محکوم می‌گردد. در مورد ارتکاب مسامحه‌کارانه جراحت جنایی، مجازات ممکن است به دوسوم کاهش پیدا کند. بنابر آنچه ملاحظه شد، در قانون مجازات ترکیه در مواد ۸۳ تا ۱۰۲ جنایاتی همچون قتل غیرعمد و یا وارد آوردن جراحت عمدی و غیرعمدی، دیه پرداخت نمی‌شود، بلکه فرد مجرم و مرتکب به حبس در درجات و زمان‌های مختلفی محکوم خواهد شد (شکرپیگی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۲).

گروهی از حقوق‌دانان معتقدند که اگر دیه مجازات باشد، این امکان باید وجود داشته باشد که مانند سایر مجازات‌های نقدی، در صورتی که مجرم از پرداخت ناتوان باشد، براساس مدت زمان بازداشت وی از مقدار دیه کاسته شود، ولی چنین چیزی ممکن نیست (زراعت، ۱۳۷۸: ۳۵). در حقوق ترکیه، دیه به گرماتی گفته می‌شود که توسط اشخاصی که به‌وسیله تضادف به‌صورت عمد و یا سهو، سبب فوت دیگری گردند، به خانواده متوفی پرداخت می‌شود که جبران معنوی و مادی نیز گفته می‌شود.^۳

نتیجه‌گیری

برحسب مطالب یادشده، دیه در حقوق کنونی ترکیه جایگاهی ندارد و مجازات دیه تبدیل به حبس و جزای نقدی شده است، اما طبق قوانین ایران و عراق از آنجایی که حکم دیه در قوانین کیفری این دو کشور پابرجاست و هر دو کشور اسلامی هستند و قوانینشان براساس فقه اسلامی تصویب می‌شود، به‌نظر می‌رسد که نظریه آخر، بهترین دیدگاه است، زیرا دیه به‌عنوان یک نهاد حقوقی مستقل محسوب می‌شود که از یک جهت با توجه به پرداخت خسارت و غرامت، دارای جنبه‌های مدنی است و از آن جهت که برای تنبیه و تنبیه مجرم وضع شده و به‌نوعی عاملی برای پیشگیری از جرم است، دارای جنبه مجازاتی است.

^۱ - Ceza kanunname-I Humayuuu

^۲ - Zanardelli

^۳ - <https://www.kazanci.com>

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.

- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم الافریقی المصری (۱۴۰۵). *لسان العرب*. جلد پنجم، ایران: نشر ادب الحوزه.

- ادريس عوض، احمد (۱۳۷۲). *ديات*. ترجمه علیرضا بوتراب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایران.

- ارجمند، دانش جعفر (۱۳۴۹). *ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی*. نشر اعظم، ایران: تهران.

- الزحیلی، وهبه (۱۹۹۸). *نظریه الضمان او احکام المسؤولیه المدنیة و الجنائیة، دراسه المقارن*. بیروت: دارالفکر المعاصر.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش.

- خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۶). *مبانی تکمله المنهاج*. جلد دوم، قم: انتشارات بینا.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳). *مفردات الفاظ القرآن*. قم: طلیعه النور رشاد الفقیه.

- رستمی، اردشیر (۱۳۹۶). *ماهیت فقهی حقوقی دیه در کشورهای اسلامی ایران مصر و امارات متحده عربی*. راهنما دکتر ابوالحسن مجتهد سلیمانی، جهت دریافت درجه دکتری تخصصی، تهران: دانشگاه خوارزمی.

- زراعت، عباس (۱۳۷۸). *شرح قانون مجازات اسلامی بخش دیات*. تهران: ققنوس.

- شفیع سروستانی، ابراهیم؛ ستایش، رحمان و قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۷۶). *قانون دیات و مقتضیات زمان*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.

- شکر بیگی علیرضا و مرادی معین (کرتویجی) (۱۳۹۵). *قانون کیفری ترکیه*. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

از یک سو به اعتقاد به جنبه کیفری محض داشتن دیه مورد تردید واقع می‌شود، چه این که علاوه بر اشتراکات مابین دیه و مجازات‌های مالی، تفاوت‌هایی نیز بین آن دو واقع است. از سوی دیگر، پذیرش جبران خسارت صرف‌بودن دیه نیز مورد تأیید نیست، زیرا قواعد جبران خسارت به صورت کامل با قانون دیه منطبق نیست.

نهایتاً این که نظریه سوم نیز به این دلیل رد می‌شود که نمی‌توان برای دیه یک ماهیت حقوقی را قرار نداد و آن را تفکیک‌پذیر دانست، چه این که باید یک ماهیت دقیقی برای دیه در نظر گرفت. دیه یک نهاد حقوقی مستقل است که مفهومی کاملاً بسیط دارد که در تمامی شرایط می‌توان آن را در نظر گرفت.

مضافاً صورت موافق این است که دیه در هر جایی ممکن است جنبه کیفری و مدنی را داشته باشد، ولی در یک جا جنبه کیفری بر جنبه مدنی دیه غالب است. دیه بدل از قصاص از این موارد است، دیه‌ای که بدل از قصاص پدری است که فرزندش را به قتل رسانیده است. در جایی دیگر جنبه مدنی بر کیفری چیره می‌شود، مانند دیه قتل خطا و شبه‌عمد. بنابراین اعتقاد بر این که دیه یک نهاد حقوقی است که دارای دو جنبه کیفری و مدنی است، نیکوترین دیدگاه می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

- موسوی همدانی، سیدمحمدباقر (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر *المیزان*. جلد پنجم، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۵). *واژه نامه حقوق اسلامی*. چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.

- نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۹۸). *تفسیر آسان*. جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامی.

- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهرالکلام*. جلد سوم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

ب. قوانین و اسناد

- قانون عقوبات عراق، سنه ۱۹۶۹.

- قانون کیفری ترکیه، ۲۰۰۵.

- قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲.

- صالحی، فاضل (۱۳۷۶). *دیه مجازات مالی اسلام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

- صاعی، پرویز (۱۳۷۴). *حقوق جزای عمومی*. تهران: گنج دانش.

- عاملی، زین‌الدین بن علی [شهید ثانی] (۱۴۱۳). *مسالك الافهام*. جلد پانزدهم، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

- عاملی، زین‌الدین بن علی [شهید ثانی] (۱۹۹۲). *الروضة البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة*. جلد دهم، چاپ دوم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

- عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ عمید*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

- عوده، عبدالقادر (۱۴۱۹). *التشريع الجنایی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی*. چاپ چهاردهم، بیروت: الرساله.

- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۱). *کتاب العین*. جلد چهارم، تهران: نشر مرتضوی.

- فیض، علیرضا (۱۳۶۸). *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلامی*. تهران: اداره انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۲). *مقالات حقوقی*. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۸). *مقالات حقوقی*. جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- مرعشی شوشتری، محمدحسن (۱۳۷۶). *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام*. چاپ دوم، تهران: میزان.

- مرعشی نجفی، سیدشهاب‌الدین (۱۴۲۱). *منهاج المؤمنین*. جلد دوم، قم: مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی.

- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ معین*. جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹). *تحریرالوسیله*. جلد دوم، قم: دارالعلم.